۱۲

در چهلمین سالمرگ سهراب سپهری، سراغ کارگردانی رفته‌ایم که فیلمی درباره او ساخته است

سهراب؛ چهل سال بعد

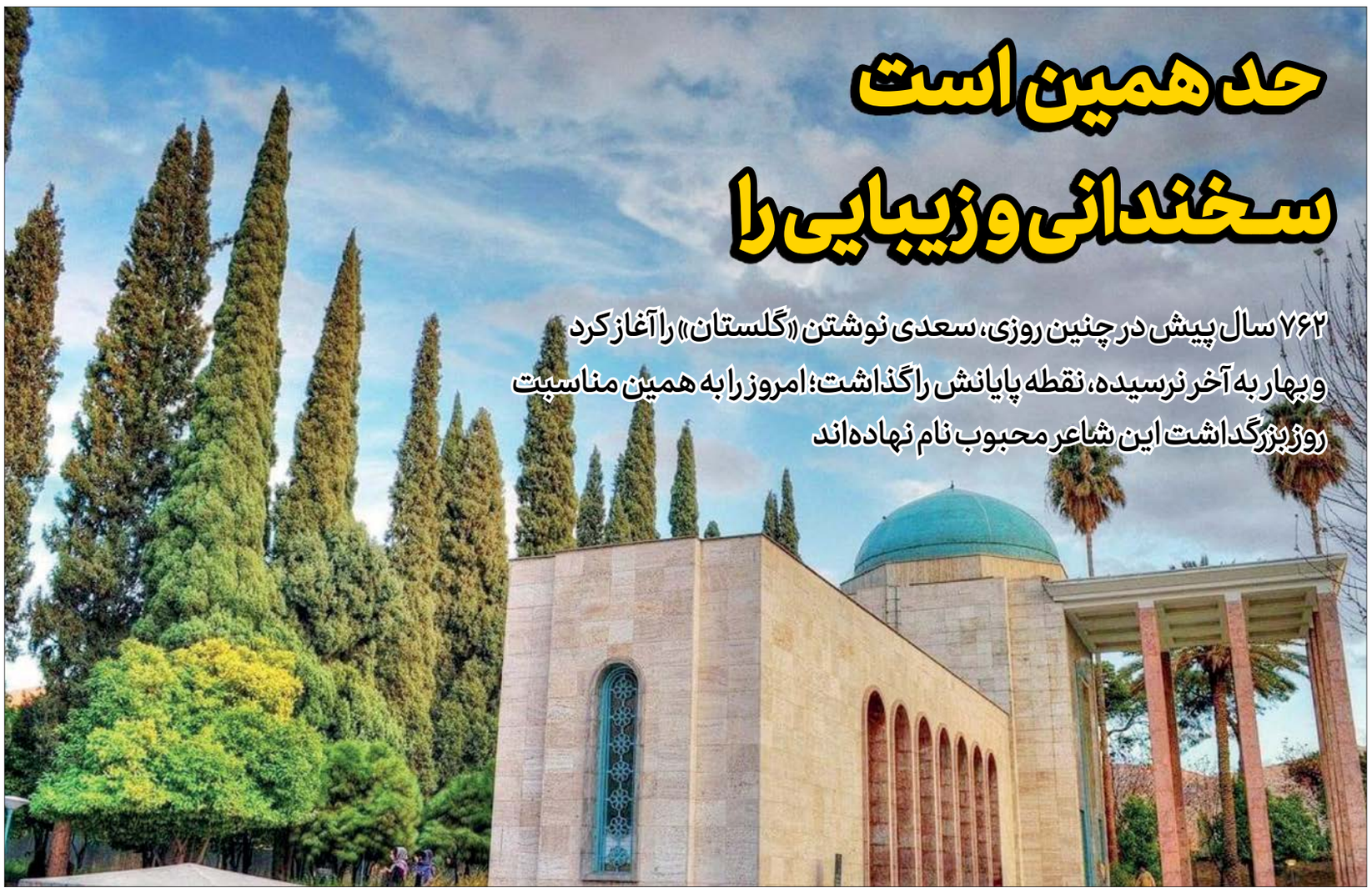

حد همین است سخندانی و زیبایی را

۷۶۲ سال پیش در چنین روزی، سعدی نوشتن «گلستان» را آغاز کرد و بهار به آخر نرسیده، نقطه پایانش را گذاشت؛ امروز را به همین مناسبت روز بزرگداشت این شاعر محبوب نام نهاده‌اند

هرسال روز اول اردیبهشت جمع کثیری از دوستداران سعدی در سعدیه دور هم جمع می‌شوند، اتفاق که امسال کرونا مانع آن شده است

۱۰ و ۱۱

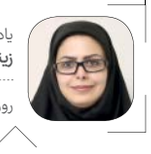

یادداشت:
زینب مرتضایی فرد
روزنامه‌نگار

بهوش بودیم و دل سپردیم

«شیخ ما (ابو سعید ابوالخیر) را گفتند: فلان کس روی آب راه می‌رود! گفت: سهل است! چغزی وصعوه‌ای نیز روی آب می‌رود. گفتند: فلان کس در هوا می‌پرد! گفت: زغن و مگس نیز در هوا می پرد. گفتند: فلان کس در یک لحظه، از شهری به شهری می‌رود! شیخ گفت: شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می‌رود... این چنین چیزها را چندان قیمتی نیست! مرد آن بودکه در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد و در بازار در میان خلق، ستد وداد کند و زن خواهد و با خلق درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»

این حکایت در اسرار التوحید فی‌مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر آمده است که توسط یکی از نوادگان او به‌نام محمد بن منور نوشته شده است، اما ما می‌خواهیم ربطش بدهیم به جناب آقای سعدی که مثل یک مرد واقعی زندگی می‌کند، به سفرهای درازی می‌رود و اگر با غزلیاتش مانوس شوی می‌توانی فکرکنی بارها عاشق شده است، بعد هم صرفنظر از واقعی بودن و نبودن این تصورات غرق جهان او شوی. اگر گلستانش را هم بخوانی می‌بینی آن زمان یک مصلح اجتماعی بوده، در دوره‌ای که عموم فرهیختگان جامعه شده‌اند عارف و سر در گریبان خود برده‌اند، او سعی می‌کند راه‌های اصلاح یک جامعه را نه به زبان خواص و بیان نکات نغز عرفانی و پیچیده فقهی، بلکه با ساده‌ترین شیوه بیان کند، بگوید چگونه غیبت نکنیم، چگونه مهربانی کنیم و ... سراغ بوستانش هم که بروی شاه و رعیت را کنار هم نصیحت می‌کند و آرمانشهر خود را می‌سازد. جایی که در آن حقی ضایع نمی‌شود و ظلمی به انسانی روا نمی‌شود.

حالا برگردیم به روایت ابوسعید؛ سعدی واقعا مرد است، با مردمان می‌نشیند و برمی‌خیزد، زندگی می‌کند مثل مردم عادی سفر می‌رود، غمگین و شاد می‌شود و ... احتمالا با خودتان بگویید سطر آخر چه؟ از کجا بدانیم جناب آقای سعدی از یاد خدا غافل نشده است؟ ما هم نه می‌دانیم و نه پاسخی برای این سوال داریم اما حسن ظن را گذاشته‌اند برای همین روزها... چرا نرویم سراغ یکی از بهترین غزل‌هایش که برخی سعدی شناسان آن را جزو سروده‌های سال‌های پایانی عمرش می‌دانند:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست/ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست....

و باقی این غزل معروف که نمی‌شود عمیق بخوانی‌اش و چشم‌هایت تر نشود... اگر شیرازی هستید باید بگویم به شما حسادت می‌کنم، باید بگویم من را بگذارید در فهرست یکی از همان‌هایی که دلشان می‌خواست امروز صبح چشم‌هایشان را که باز می‌کنند، شیراز باشند و هنوز درهای سعدیه باز نشده ایستاده باشند، خلاصه که امروز در حال و روز کرونایی جهان جای ما را کنار سعدی، این مرد بزرگ خالی کنید. مردی که هر قدر هم بهوش بودیم هم نشد دل به او نسپاریم...]

گپ‌وگفتی با تهیه‌کننده و کارگردان مجموعه «دریبل»؛ مستندی که محصول خانه مستند انقلاب اسلامی و موسسه اوج است

نمونه‌ای از دنیای ما

امید رحمانی
جام جم

این‌که می‌گویند فوتبال فقط یک مسابقه ورزشی معمولی نیست و به زندگی پهلو می‌زند، شاید به مذاق آنها که عشق و علاقه‌ای به فوتبال ندارند، خوش نیاید و غیرواقعی و اغراق شده به نظر برسد، اما حتی اگر این مخالفان هم، به دور از هیاهو و از منظری تازه و دقیق به فوتبال نگاه کنند، ما به ازاهای آن را در زندگی کشف می‌کنند و شاید از این پس نگاهی جدی‌تر به این پدیده همیشگی داشته باشند. شما حتی اگر علاقه‌مند به فوتبال و شخصیت دیه‌گو مارادونا هم نباشید، با تماشای مستند زندگی‌اش ساخته آصف کاپادیا، نمک‌گیر خواهید شد! این‌که چطور فوتبال می‌تواند تا این حد آینه تقریبا تمام‌نمای یک جامعه و یک جهان باشد. به قول هومن باقری، راوی مجموعه در یکی از روایت‌هایش: «نمونه‌ای از دنیای ما».

مجموعه مستند دریبل محصول خانه مستند انقلاب اسلامی و سازمان هنری، رسانه‌ای اوج هم با چنین نگاهی به فوتبال و حواشی و روابط پنهان و دست‌های پشت پرده آن و مسائلی چون هواداری و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ورود می‌کند و آن را پیش روی شما می‌گذارد.

این مجموعه مستند که در ۱۰ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای و به قلم مهدی اسدزاده تولید شده، اگرچه این روزها از طریق شبکه‌های ۳ و مستند سیما پخش می‌شود و جزو آثار پرمخاطب است، اما ساختار مستندهای سینمایی را دارد و سریع و خوش ضرباهنگ و با انبوهی از تصاویر آرشیوی کمتر دیده شده، دست کمی از استانداردهای جهانی در این گونه ندارد.

زبان مشترک و جهانی

عطا پناهی، تهیه‌کننده مستند دریبل درباره این‌که چطور شد تصمیم به تهیه این مجموعه گرفت، گفت: با این‌که قبلا دو مستند فوتبالی به نام‌های رویای مسی و بازگشت‌های بزرگ در کارنامه‌ام بود و استقبال خوبی هم از آنها شد، اما حتی این مستندها هم آن چیزی نبودند که من دوست داشتم درباره فوتبال ساخته شود و به دنبال موضوعات جذاب دیگری بودم. به‌نظرم فوتبال و سینما فراتر از ظاهر این کلمات هستند و قدرت شگفت‌انگیزی دارند و حرف‌های بیشتری پشت ظاهرشان نهفته است و من به عنوان یک مستندساز دوست داشتم عمیق‌تر به این ماجرا نگاه کنم. به همین دلیل تصمیم گرفتم مجموعه مستند دریبل را بسازم. در این مستند از زوایای مختلف به دنیای فوتبال نگاه شده و این همان چیزی است که برایم جذابیت داشت.

او افزود: وقتی تصمیم به ساخت دریبل گرفتم با مهدی زارعی که پژوهشگر حوزه ورزش است، صحبت کردم و ایشان تحقیقات و پژوهش را در زمینه فوتبال و حواشی آن آغاز کرد. در این مستند در کنار فوتبال، به مضامینی مانند میهن‌پرستی، اقتصاد، سیاست، اسطوره و... پرداخته شده است. وقتی مراحل تحقیق به اتمام رسید از آقای مهدی اسدزاده که نویسنده توانایی است و به فوتبال هم علاقه دارد، خواستم تا متن مستند را با توجه به نتیجه تحقیقات بنویسد. ایشان هم به‌خوبی از پس این کار برآمد و نریشن‌های جذابی برای دریبل نوشت.

پناهی ادامه داد: فوتبال، زبانی مشترک و جهانی است. به همین دلیل فکر می‌کنم دریبل، مخاطبی جهانی دارد و فقط مخصوص مردم ایران و تماشاگران کشورمان نیست.

تهیه‌کننده دریبل درباره ترکیب و بسته‌بندی تصاویر آرشیوی و تولیدی در این مجموعه توضیح داد: ما ابتدا تصاویر آرشیوی را تهیه کردیم و وقتی ریتم تدوین شکل گرفت و درباره آن با پدرام بهرامی (کارگردان) به توافق رسیدیم، در جهت همان ریتم شروع کردیم به تهیه تصاویر تولیدی مبتنی بر قاب‌بندی‌ها و مدلی که مد نظرمان بود و فیلم را به آن شکل تدوین کرده بودیم. در واقع برای‌مان مهم بود تصاویر تولیدی با تصاویر آرشیوی و نوع تدوین‌مان کاملا همخوانی داشته باشد.

پناهی درباره مخاطبان هدف و تماشاگران دریبل هم گفت: به‌نظرم هر شخصی که یک بار فوتبال تماشا کرده باشد، می‌تواند مخاطب دریبل باشد. دریبل، جزو بهترین کارهایم بوده و بازخوردهای مثبت زیادی در فضای مجازی داشته است. مخاطبان با هشتگ دریبل درباره این کار با هم صحبت می‌کنند و نظرات‌شان را به اشتراک می‌گذارند.

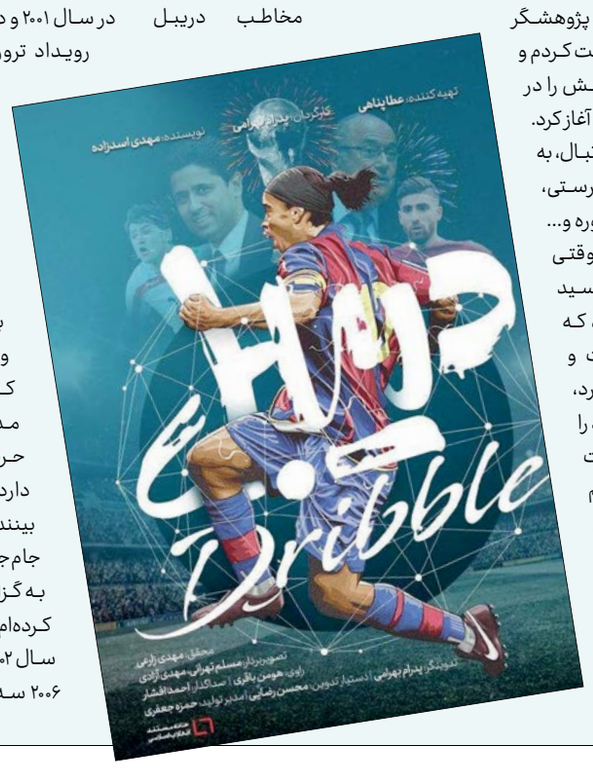

پادشاه بلامنازع دنیای مدرن

پدرام بهرامی، کارگردان و تدوینگر مستند دریبل هم که پیش از این مجموعه‌هایی چون «کوله نارنجی» و «پونز» را ساخته، درباره این‌که چرا فوتبال را محور این مستند قرار داده، آمار جالبی ارائه داد و گفت: اجازه دهید در این مورد من اطلاعات، آمار و ارقامی را برایتان عنوان کنم، چون به‌اصطلاح اعداد و ارقام هرگز دروغ نمی‌گویند. در سال ۱۹۶۹ و زمانی که آپولو روی ماه نشست، چیزی حدود ۶۰۰ میلیون تماشاگر به صورت زنده این رویداد را تماشا کردند. اتفاق بعدی مسابقه محمدعلی کلی با جورج فورمن در سال ۱۹۷۴ است که یک میلیارد تماشاگر داشت. رویداد دیگر اجرای پینک‌فلوید در سال ۱۹۹۰ در برلین است که بالغ بر ۵۰۰ میلیون بیننده داشته است.

در سال ۲۰۰۱ و در یازدهم سپتامبر این رویداد تروریستی به‌صورت زنده پخش می‌شد و بیش از دومیلیارد بیننده داشت. رویداد دیگر افتتاحیه المپیک ۲۰۰۸ چین است که سه‌میلیارد بیننده داشت. حالا برسیم به فوتبال، در مورد این ورزش گفته شده است که پادشاه بلامنازع دنیای مدرن است و برای این حرف دلیل محکمی وجود دارد. من آمار و ارقامی از بیننده‌های مسابقات فینال جام‌جهانی در ۲۰ سال اخیر به گزارش رویترز را جمع‌آوری کرده‌ام که از این قرار است: در سال ۲۰۰۲ سه‌میلیارد نفر، سال ۲۰۰۶ سه‌میلیارد نفر، سال ۲۰۱۰ سه‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر، سال ۲۰۱۴ کمی بیش از سه‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون و سال ۲۰۱۸ سه‌میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر بیننده پخش زنده مسابقه فینال این رویداد ورزشی بوده‌اند. طبق تحقیقات مسابقه فینال جام‌جهانی بیشترین تعداد مخاطب تلویزیونی را در ۲۰ سال اخیر داشته است. جالب است بدانید در سال ۲۰۱۴ کل جمعیت زمین هفت‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر بوده و بیننده تلویزیونی فینال جام‌جهانی آن سال همان‌طور که اشاره شد بیش از سه‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر بوده است. یعنی تقریبا نصف جمعیت کره زمین در ساعتی مشخص درگیر تماشای مسابقه فوتبال فینال جام‌جهانی بوده‌اند. به نظرم این ارقام خودشان دنیایی حرف برای گفتن دارند و ثابت می‌کنند فوتبال پادشاه بلامنازع دنیای مدرن است و شما نیز به جواب سوال‌تان می‌رسید که چرا فوتبال.

بهرامی در پاسخ به این سوال که آیا می‌توان دریبل را مستندی سیاسی خواند نیز توضیح داد: مستند دریبل را نمی‌توان در یک قالب مشخص جای داد و مثلا به آن گفت مستندی ورزشی. من دریبل را اثری ورزشی، ژورنالیستی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی می‌دانم. در سه قسمت از این مستند حرف از اقتصاد، سیاست و رسانه به میان می‌آید که سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند و ما تاثیر فوتبال را بر هر سه ضلع این مثلث و تاثیر این اضلاع بر فوتبال را بررسی کرده‌ایم. به همین خاطر مستند دریبل را نمی‌توان صرفا فیلمی ورزشی یا سیاسی دانست.

او در پایان می‌گوید: سعی ما در دریبل، بر این بوده است تا کاری را به سرانجام برسانیم که قبلا در هیچ مستند فوتبالی انجام نشده باشد، یعنی وصل کردن نقاط مختلف موضوعی به هم و ارائه تحلیلی متفاوت. شما هر مستند فوتبالی را که تماشا کنید خواهید دید که موضوعی واحد را در نظر گرفته‌اند و مثلا به حواشی مسابقات فوتبال و یا رویدادی خاص می‌پردازند اما هدف ما این بود که نگاهی جامع‌تر داشته باشیم و تحلیل متفاوتی از فوتبال به مخاطب ارائه دهیم.]

پشت صحنه

خداحافظی با کارگردان تام و جری

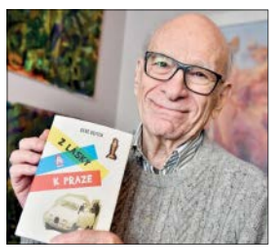

پویانمایی‌ها سال‌هاست بخش مهمی از حافظه جمعی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. کوچک و بزرگ، پیر و جوان و خلاصه همه آدم‌های دنیای امروز از این‌گونه تازه که در شکل مدرن خود عمر درازی هم ندارد خاطره‌های بسیاری دارند. پویانمایی‌ها حالا البته نقش پررنگی در میان آثار تصویری دارند و در سینماها هم در کنار آثار مشابه خود رقابت می‌کنند تا فروش بیشتری داشته باشند.

آن‌روزها که هنوز پویانمایی وارد فضای رقابتی امروز نشده بود هم آثاری تولید می شدند که در فضای تلویزیون با هم رقابت داشتند و یکی از این آثار که هنوز هم دوستش داریم ماجراجویی‌های دو حیوان بود که اتفاقا در ادبیات فارسی هم بسیار دنبال هم دویده‌اند، تام و جری را که یادتان هست؟ همان موش و گربه‌ای که دنبال هم می‌دویدند و چه دردسرها که درست نمی‌کردند. نه شما که ظاهرا اغلب ما آنها را به خاطر داریم و خواهیم داشت. حالا خبر رسیده یکی از خالقان این مجموعه پویانمایی به یاد ماندنی در ۹۵ سالگی درگذشته است. آن‌طور که سایت این پویانمایی نوشته است، «جین دیچ» تصویرگر و انیماتور برنده اسکار که کارگردانی ۱۳ قسمت از پویانمایی‌های معروف «تام و جری» را بر عهده داشته، دیگر در میان ما نیست. او البته کارگردانی ملوان زبل را هم انجام داده و این دو پویانمایی در ایران شناخته شده هستند. جین دیچ، جایزه اسکار بهترین پویانمایی کوتاه سال ۱۹۶۰ را برای فیلم «مونرو» به خود اختصاص داد و در سال ۱۹۶۴ نیز برای دو پویانمایی «ناندیک» و «چگونه از دوستی جلوگیری کنیم» نامزد دریافت جایزه اسکار در این شاخه شده بود و شخصیت کارتونی «تام ترفیک» را در قالب یک سریال خلق کرده بود که در برنامه کودک تلویزیونی «کاپیتان کانگرو» روی آنتن می‌رفت و در سال ۱۹۵۸ هم برای تهیه‌کنندگی مشترک پویانمایی «درخت خانوادگی سیدنی» نامزد دریافت جایزه از آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار بود. او در سال ۲۰۰۴ جایزه «وینزو مککی» را به پاس یک عمر دستاورد هنری در عرصه پویانمایی دریافت کرد. ناشر جین دیچ در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس بیان کرد این هنرمند پنجشنبه شب به طور ناگهانی در خانه‌اش در شهر پراگ از دنیا رفته و هنوز جزئیات بیشتری در این‌باره منتشر نشده است.]